

آسیب‌شناسی نقش الگویی رهبران جامعه در تداوم انقلاب اسلامی ایران

علی‌اکبر شایسته‌نژاد*

چکیده

به دلیل ارتباط عمیق مردم با رهبران خود در جمهوری اسلامی ایران، الگوپذیری مردم از رهبران جامعه به ویژه رهبران دینی، زمینه بسیار خوبی برای پیروزی و حفظ انقلاب اسلامی ایران بوده است. استمرار این نقش ارزشمند، نیازمند مراقبت جدی و عمیق از ابتلای به آسیب‌هاست.

نگارنده پس از تبیین مفهوم الگو و اهمیت نقش الگویی از نظر قرآن و پیشوایان دین، به آسیب‌شناسی آن پرداخته و اموری چون دنیازدگی، چندگانگی الگوها، نفوذ فرصت‌طلبان، سازش‌کاری، عوام‌فریبی و عدم شناخت زمان را از عوامل تخریب الگوها خوانده و برای حل این مشکل، باور منزلت الگو بودن، حفظ ارتباط با مردم، باور خردورزی مردم برخورد قاطع با عوامل مزاحم را مهم خوانده است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، مفهوم الگو، اهمیت نقش الگویی، نقش الگویی رهبران، آسیب‌شناسی الگوها

asm2us@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۱۰

*. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه شهید رجایی.

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۲۰

مقدمه

در حکومت‌های استبدادی رابطه حاکم با مردم بریده است و قرآن کریم از فاصله عمیق حاکمان سلطه، مانند فرعون و نمرود با مردم سخن گفته است. حاکمان مستبد، از مردم در هراس بودند و سدهای پولادینی بین خود و مردم می‌کشیدند. درحالی‌که با وجود حصار شدید امنیتی که بر گرد ائمه کشیده شده بود، هرگز رابطه خود را با مردم قطع نکردند.

تلاش مذبوحانه غلات برای برکشیدن جایگاه امام، به حد اولوهیت و دور از دسترس جلوه‌دادن آنان نیز، با عکس‌العمل شدید و اعلام تنفر ائمه علیهم‌السلام دفع شد. پیشوایان دین، لازمه ایفای نقش الگویی خود را در برخوردارگی از ارتباط ناگسستگی با مردم و حضور در عینیت جامعه می‌دانستند. (صفری فروشانی، ۱۳۷۸: ۱۶۱ - ۱۵۱)

حتی در دوران غیبت امام عصر علیه‌السلام نیز ارتباط با آن بزرگوار، امری محال و دست‌نیافتنی نیست. چنان‌که عده‌ای از سالکان طریقت به آن دست یافته‌اند. (دوانی، ۱۳۵۴: ۹۴۴ - ۹۳۴)

به توصیه پیشوایان دین، مبنی بر فراخواندن مردم به دین با عمل و نه صرف گفتار^۱، علمای راستین با پیوند عمیق خود با مردم، نقش برجسته‌ای در ارشاد آنان داشته‌اند. رهبران دینی به دلیل شخصیت اثرگذار و سازنده خود، پیوسته علاقه‌مند بودند تا در جمع مردم عطاافشانی کنند و رایحه دل‌آویز علم و عمل خویش را به مشام جویندگان حقیقت برسانند.

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی ایران، تقویت ارتباط نزدیک و صمیمانه مردم با رهبران جامعه است. از آنجا که نقش الگویی رهبران جامعه، جز با حضور عینی در جامعه آشکار نمی‌شود، دست‌های پیدا و نهان استکبار تلاش فراوانی کردند تا این پیوند را قطع کنند.

در آغاز انقلاب، گروه‌های تروریستی فرقان، مجاهدین خلق و ... عده‌ای از نخبگان صاحب‌اندیشه و مدیریت را به شهادت رساندند. گرچه این حوادث تلخ موجب شد تا حدودی رهبران جامعه از مردم فاصله بگیرند، اما ارتباط فکری و پیوند قلبی آنان با مردم همچنان استوار است.

نقش الگویی رهبران جمهوری اسلامی، منحصر به داخل ایران نیست، بلکه به دلیل

۱. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مردم را به غیر زبان (یعنی با رفتار و کردار) خود به خیر و نیکوکاری دعوت کنید، مردم باید کوشش در عبادت و راستگویی و پرهیزکاری شما را ببینند». (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۱۰۵)

شرایط ویژه و موقعیت برجسته ایران، همه افراد آزاده جهان، چشم به رفتار رهبران ایران دوخته‌اند. این امر اهمیت نقش الگویی آنان را چند برابر می‌کند. از آنجا که خطمشی الگوهای کشور، برگرفته از رهنمودهای قرآن و پیشوایان دین است، نگارنده با بررسی نقش الگویی رهبران جامعه در قرآن و روایات، به برخی آسیب‌های آن اشاره و راهکارهایی نیز ارائه کرده است. این مقاله به روش پژوهشی - تحلیلی به موضوع پرداخته و اطلاعات لازم را به شیوه کتابخانه‌ای از منابع مختلف جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل کرده است.

پرسش اصلی تحقیق این است که «چه آفت‌هایی نقش الگویی رهبران جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند؟»

مفهوم الگو

اسوه، به معنای پیروی انسان از غیر، در کار خوب یا کار بد است. (راغب، ۱۴۱۲: ۷۶) «اسوه»، «قدوه»، «الگو» به معنی طرح، مدل، نمونه و ... آمده و غالباً ناظر به الگوهای انسانی است و درباره تربیت و تقویت ابعاد اخلاقی، رفتاری و شناختی انسان و مسائل آموزشی و یادگیری کاربرد دارد. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱؛ معین، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۰۶۳)

در علوم اجتماعی، الگوها، شیوه‌های زندگی نشئت گرفته از فرهنگ است که افراد به‌طور طبیعی با آنها سروکار دارند و اعمال خود را با این الگوها تطبیق می‌دهند. (قائم‌مقدم، ۱۳۸۹: ۲۶؛ موسوی کاشمیری، ۱۳۷۹: ۱۵۰) مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را در معرض دید متربی قرار دهد. (باقری، ۱۳۸۸: ۱ / ۱۴۳) تأثیر رفتار الگو بر متربی، بسیار بیشتر از تأثیر گفتار اوست. سعدی گوید: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». شهید مطهری می‌نویسد:

ما بیش از اندازه از این گوش و زبان بیچاره انتظار داریم. بیشتر اوقات، باید از عمل و چشم استفاده کنیم؛ یعنی خوب رفتار کنیم تا آنها با چشم خودشان ببینند. یک مقداری هم به این گوش و زبان بیچاره استراحت بدهیم. (مطهری، ۱۳۶۰: ۲۰ / ۲۰۴)

از این‌رو، نقش الگویی رهبران ایران، به‌ویژه روحانیان، برای هدایت مردم به اخلاق و معنویت از اهمیت فراوانی برخوردار است.

اهمیت نقش الگویی از نظر پیشوایان دین

انتظار مردم از رهبران خود در جمهوری اسلامی ایران، تأسی به رهنمودهای پیشوایان دین و انعکاس آن در رفتار خویش است. بنابراین، نگاهی کوتاه بر تعالیم آنان، ضروری است.

قرآن کریم، علاوه بر معرفی الگوی‌های راستین (انبیا / ۸۳؛ تحریم / ۱۱ و ...) و برخی اسوه‌های دروغین (تحریم / ۱۰)، توصیه به پرهیز از تقلید کورکورانه (زخرف / ۲۳ و ۲۴) و بصیرت در انتخاب الگو (انعام / ۹۰)، حضرت ابراهیم علیه السلام را الگوی پیروان آیین حنیف و پدر ادیان توحیدی معرفی کرده است: «برای شما در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشق خوبی وجود داشت»؛ (ممتحنه / ۴) زیرا آنان در اعتقاد توحیدی خود پایداری کردند و همه مشکلات را به جان و دل خریدند.

یکی از رهاوردهای تربیتی نماز، الگوسازی و جستجوی مصداق‌های نعمت‌داده‌شدگان است (حمد / ۷) که قرآن کریم آنان را در چهره پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران معرفی کرده است. (نساء / ۶۹) در تشهد نماز نیز عبارت «السلام علينا و علی عبادالله الصالحین»، نقش‌پذیری از نیکوکاران و حرکت در مسیر عبودیت را تلقین می‌کند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، انسان کامل و نمونه والای عرفان، زهد، عشق، تقوا و شجاعت و برترین و شایسته‌ترین نمونه رهبری، پدری، همسری، دوستی و انسانی برای هر مسلمان است. قرآن کریم فرمود:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. (احزاب / ۲۱)

مسئلاً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود.

«علامه طباطبایی» در کتاب خود «المیزان» نوشته است:

اسوه در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیروی از او و وظیفه‌ای ثابت است و همیشه باید به گفتار و کردار آن جناب تأسی کرد و همانند او مشقت‌های جهاد در راه خدا را تحمل کرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۴۳۲)

تفسیر «الکشاف» در معنای «اسوه» دو احتمال ذکر کرده است:

اول، خود رسول خدا ﷺ فی نفسه اسوه حسنه و مقتدی به است؛ دوم، در وجود رسول خدا ﷺ خصلتی هست که جا دارد مردم در آن صفت، به آن حضرت اقتدا کنند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۳۱)

این دو احتمال منافاتی با هم ندارند. امام علی علیه السلام، رفتار خود را برگرفته از سیره حضرت محمد صلی الله علیه و آله دانسته است (سید رضی، بی تا: خ ۱۹۲ / ۳۰۰) و فرمود: «إِنِّي حَامِلِكُمْ عَلَيَّ مِنْهُجِ نَبِيِّكُمْ؛ من شما را به سیره پیامبران راهنمایی می‌کنم» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۱۶۸) و «مَا أَعْظَمَ فَوْزُ مَنْ اقْتَفَى أَثَرَ النَّبِيِّينَ؛ چه سعادت بزرگی است که انسان از روش پیامبران، پیروی کند». (تمیمی، ۱۳۶۶: ۱۱۰) ایشان خود را نیز الگو و نمونه راستین تربیت الهی معرفی کرده و فرموده است:

و با خوی خود، شما را نشان دادم که اخلاق گزیده چیست. پس در آنچه دیده ژرفای آن را نتواند دید و اندیشه به کنه آن نتواند رسید، رأی خود را به کار مبنیدید. (شهیدی، ۱۳۷۷: ۸۶)

بدیهی است که هرچه الگو نزد مردم، از محبوبیت بیشتری برخوردار باشد، تأثیرپذیری دیگران از او بیشتر است. علاقه شدید مؤمنان به خداوند (بقره / ۱۶۵) موجب می‌شود با نهایت دقت، از شیوه رفتار و کردار رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که محبوب خداوند و مورد علاقه مردم است، پیروی کنند.

نقش الگویی رهبران ایران

در جمهوری اسلامی ایران، نقش الگویی رهبران، بسیار برجسته و حائز اهمیت است. در مثل آمده است: «التَّاسُ عَلَيَّ دِينِ مُلُوكِهِمْ». (اربلی، ۱۳۸۱: ۲ / ۲۱)

در منطق تربیتی اسلام، رابطه تربیت‌پذیری افراد از الگوها، رهجویی مأموم از امام و پیروی مردم از رهبر، جریان‌ی بادوام و طولانی است. قرآن کریم از استمرار این ارتباط تا روز قیامت سخن گفته است «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ؛ روزی که هر گروهی را با پیشوایش می‌خوانیم». (اسراء / ۷۱)

امام علی علیه السلام فرمود:

ای مردم به خدا سوگند! من شما را به طاعتی بر نمی‌انگیزم، جز آن‌که خود پیش از شما به گزاردن آن برمی‌خیزم و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم، جز آن‌که خود پیش از شما آن را فرو می‌گذارم. (شهیدی، ۱۳۷۷: ۲۵۰)

همچنین فرمود: «لغزش عالم همچون شکستن کشتی است، خود غرق می‌شود و دیگران را غرق می‌کند». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲ / ۵۸)

ایشان به مربیان و رهبران جامعه توصیه می‌کند قبل از آن‌که به تربیت دیگران پردازند، خود را تزکیه کنند و نفس خویش را از آلودگی‌ها بیالایند، تا سخنشان از حد گوش تجاوز کند و بر قلب و اندیشه متری، خوش‌آهنگ و لذت‌بخش باشد. (سید رضی، بی‌تا: حکمت ۷۰ / ۴۸۰؛ شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۷۱) امام خمینی علیه السلام فرمود:

در بعضی از شهرستان‌هایی که در ایام تابستان می‌رفتیم، ... من می‌دیدم که اینها بسیار مؤدب به آداب شرع هستند ... انسان وقتی ملاحظه می‌کرد، می‌دید که عالم خوبی آنجا بوده ... اگر در یک جامعه‌ای، در یک شهری، چند نفر ملای متوجه به دیانت، عاقل و عامل به علم خودش باشد، لازم نیست موعظه کند، اصلاً خود وجود او موعظه است. (امام خمینی: ۱۳۷۸: ۲ / ۱۶)

خداوند عزیز، پیشوایان مردم را دوگونه خوانده است:

۱. رهبران نور (انبیا / ۷۳): رسول خدا صلی الله علیه و آله، مردم را به پیروی از پیشوایان دین و علمای راستین که برجسته‌ترین الگوهای تأثیرگذار در زندگی آنان هستند، فرا خوانده است:

إِتَّبِعُوا الْعُلَمَاءَ فَأَنَّهُمْ سُرُّ الدُّنْيَا وَمَصَابِيحُ الْآخِرَةِ. (متقی هندی، بی‌تا: ۱۰ / ۱۳۵)
از عالمان دین پیروی کنید که آنان، هادی و راهنمای شما در دنیا و آخرتند.

۲. رهبران نار (قصص / ۴۱): شیطان سردمدار و رهبر راهیان نار است. قرآن کریم همگان را از پیروی او باز داشته (نور / ۲۱) و هشدار داده است که پیروی از مجرمان (شعراء / ۹۹)، گنهکاران (اعراف / ۱۴۲)، انسان‌های هوس‌ران (مائده / ۷۷) و دوستان ناصالح، زمینه‌ساز ورود انسان به عذاب الهی است. (فرقان / ۲۸) و با ذکر سرنوشت خفت‌بار قوم فرعون (زخرف / ۵۴)، اطاعت و پیروی از حاکمان فاسد را موجب تباهی و نابودی مردم خوانده است.

رهبران و پیشوایان ام‌القرای اسلام، یعنی جمهوری اسلامی ایران، از طرفی زیر ذره‌بین نگاه مردم داخل و خارج هستند و از طرف دیگر، دشمن پیوسته رصد می‌کند تا از لغزش کوچک آنان کوهی بسازد و در رابطه مردم با آنان اخلال ایجاد کند. پس نوع رفتار آنان نقش مهمی در رشد، توقف و تنزل انسان‌ها دارد. آراستگی آنان به فضایل اخلاقی یا آلودگی آنان به رذایل اخلاقی در افراد دیگر تأثیر خواهد گذاشت. از این‌رو، باید به شدت از منزلت خویشتن مراقبت کنند.

آسیب‌شناسی الگوها در جمهوری اسلامی ایران

«آسیب» در لغت به معنای آزار، گزند، درد، صدمه و ... آمده است. (عمید، ۱۳۵۴: ۳۱) آسیب‌شناسی، شاخه‌ای از علم پزشکی است که به منشأ، ماهیت، علت و سیر بیماری‌ها می‌پردازد. آسیب‌شناسی از علم پزشکی به علوم دیگر به‌ویژه علوم انسانی و اجتماعی سرایت کرده است.

هر چیزی که ارزش بیشتری دارد، نیازمند مراقبت و توجه بیشتری است. کسانی که در مسند الگویی جامعه قرار می‌گیرند، باید به‌شدت از این جایگاه ارزشمند و موقعیت متعالی پاسداری کنند تا خدشه‌ای بر آن وارد نشود و غبار تیرگی آن را کدر نکنند. برخی از عوامل مخرب این جایگاه عبارتند از:

۱. دنیازدگی

قرآن کریم از انسان‌های حقیر و تهی از کرامتی سخن گفته است که همه هم‌خویش را مصروف گردآوری ثروت بی‌حد و حصر می‌کنند و مال را عامل جاودانگی می‌پندارند. (تکواثر / ۳ - ۱) و کسانی را که به‌دلیل شدت علاقه به مال و امور مادی، نسبت به حضور در میدان جهاد، سنگینی می‌کنند، سرزنش کرده (توبه / ۳۸) و ترجیح امور زندگانی را بر رضایت خداوند، نشانه تباهی و سزاوار سرزنش و ملامت شمرده (توبه / ۲۴) و دلبستگی به دنیا را یکی از علل اساسی سقوط بلعم باعورا خوانده است. (اعراف / ۱۷۶)

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «خداوند هفتاد گناه را از جاهل می‌آمرزد، قبل از آن که

یک گناه عالم را مورد عفو قرار دهد». (ابن طاوس، ۱۳۶۷: ۸۷)

امام علی علیه السلام فرمود:

به خدا از دنیای شما زری نیندو ختم و از غنیمت‌های آن ذخیرت ننمودم و بر جامه کهنه‌ام، کهنه‌ای نیفزودم ... آیا بدین بسنده کنم که - مرا - امیرمؤمنان گویند و در ناخوشایندهای روزگار شریک آنان نباشم یا در سختی زندگی - نمونه‌ای - برایشان نشوم. (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۱۷)

امام کاظم علیه السلام از پدرانش، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

فقیهان، امانتدار پیامبرانند، تا آن زمان که در دنیا داخل نشده باشند. گفتند: ای پیامبر خدا! داخل شدن ایشان در دنیا به چیست؟ گفت: پیروی از سلطان؛ چون چنین شدند، از ایشان بر دین خود بترسید. (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۴۶)

دل‌بستگی به دنیا و افراط در بهره‌گیری از آن که اخلاص بر زمین است، ناشی از هوای نفس و از عوامل مخالف سعادت و رستگاری انسان است.^۱

امام خمینی ره می‌فرماید:

بپرهیز و برحذر باش - خداوند متعال در اولی و آخری یارت باد - از اینکه همت خویش صرف به دست آوردن لذات شهوات حیوانی کنی که این شأن چهارپایان است، یا به چیرگی بر نزدیکان و همانندان بپردازی - اگرچه غلبه در علوم و معارف باشد - که این منزلت درندگان است، یا همّ خویش به ریاست‌های ظاهری دنیا صرف کرده، تدبیر و اندیشه را بر آن بگماری که مقام شیاطین است. (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱ / ۱۰)

نیز فرمود:

خوف آن است که اگر تشریفات و زرق و برق‌های شبیه به قطب مادیت رواج پیدا کند، در نسل‌های بعد اثر گذارد و خدای نخواستہ آنچه از آن می‌ترسیم به سر حوزه‌ها بیاید. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷ / ۳۲۶)

۱. ترک شهوت‌ها و لذت‌ها سخاست هر که در شهوت فرو شد بر نخاست (مولوی، ۱۳۷۸: دفتر دوم / ۲۳۳)

شهید مطهری می‌نویسد:

مقیاس هواپرستی او [عالم روحانی] در جاه و مقام و میل به دست‌بوسی و شهرت و محبوبیت و علاقه به اینکه مردم دنبال سرش حرکت کنند و در مصرف بیت‌المال در راه آقایی خود و یا باز گذاشتن دست کسان و خویشان و مخصوصاً آقازادگان گرام در بیت‌المال و امثال اینهاست. (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۰ / ۱۷۸)

مقام معظم رهبری نیز در مناسبت‌های مختلف و به‌ویژه در توصیه‌های ماه رمضان، بر پرهیز الگوهای جامعه از دنیاگرایی تأکید فرمودند.

«سید کاظم شریعتمداری» که سال‌ها یکی از مراجع مورد اعتماد مردم به شمار می‌رفت، به دلیل دل‌بستگی به جاه و شهرت، در برابر امام و انقلاب ایستاد و گرفتار خشم مردم شد.

«شیخ علی تهرانی» از مبارزان قبل از انقلاب بود و بارها گرفتار زندان شاه شد. بعد از انقلاب، ریاست دادگاه انقلاب مشهد و مدتی هم ریاست دادگاه انقلاب اهواز را بر عهده گرفت و نماینده مجلس خبرگان شد.

وی به دلیل ضعف نفس و حسادت به مقام معظم رهبری به مخالفت با نظام پرداخت و در دوران جنگ تحمیلی به عراق پناهنده شد و در رادیو عراق با سخنرانی علیه جمهوری اسلامی به تضعیف روحیه رزمندگان پرداخت.^۱

۲. چندگانگی الگوها در جمهوری اسلامی ایران

یکی از آسیب‌هایی که جمهوری اسلامی ایران را چون موربانه از درون تهدید می‌کند، اختلاف رفتار و گفتار الگوها و اختلاف رفتار الگوها با یکدیگر است. تفاوت نوع برخورد رهبران جامعه با مسائل زندگی، موجب می‌شود مردم به‌دنبال روش آسان‌تر بروند و از رفتارهایی که نیاز به زحمت ندارد، الگو بگیرند. از طرف دیگر، مشاهده این نوع رفتارها، از اعتماد آنان به صحت همه رفتارها می‌کاهد.

۱. این مطالب نتیجه تجربه شخصی و به‌عبارتی تاریخ شفاهی است. گرچه در سازمان اسناد، مدارک آن موجود است.

اختلاف رفتاری رهبران ایران، از آفت‌هایی است که الگوپذیری جامعه را به‌سوی سلیقه‌گرایی سوق می‌دهد. تعامل مطبوعات و رسانه‌ها با الگوها، باید براساس نقش آنان تعیین شود. در شرایط فعلی اگر بنا باشد جوانان ایرانی، الگوی رفتاری خود را براساس اهمیت و توجه رهبران جامعه به جایگاه والدین، معلم، هنرپیشه، ورزشکار، عالم دینی، پدر و مادر، نماینده مجلس، وزیر و ... انتخاب کنند، چنین ارزش‌گذاری را در اختیار ندارند. از این‌رو، باید به نقش الگویی دانشمندان که مورد عنایت قرآن و پیشوایان دین است، توجه بیشتری بشود. در حالی که این منزلت و جایگاه، از نگاه مدیران فرهنگی جامعه مغفول مانده است.

الگوها، آنگاه نقش مؤثری ایفا کرده، آثار برجسته و عظیمی از خود بر جای خواهند گذاشت که خرد جمعی، بهای لازم را به آن بدهد و به ارزش جایگاه و نقش آن پی ببرد. مردم، اختلاف و نزاع رهبران جامعه اسلامی را ناشی از هوای نفس و بی‌تقوایی می‌دانند. امام راحل علیه السلام فرمودند: «اگر همه انبیا الآن در اینجا جمع بشوند، اختلاف ندارند. برای آنکه، آن جهات نفسانی را ندارند». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۲۱۴)

بی‌آنکه برخی از تلاش‌های ارزشمند خدمتگزاران نظام را نادیده بگیریم، باید گفت: الگوی زندگی و گفتار مدیران نظام جمهوری اسلامی در دوران پس از جنگ تحمیلی، هرگز تناسبی با رهنمودهای امام علیه السلام نداشت و در آن سال‌ها فرهنگ ساده‌زیستی، ایثار و شهادت و ... رنگ باخت. در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ نیز افرادی که به جریان فتنه مشهور شدند، با ارائه الگوها و مدل‌هایی مغایر با برخی اصول انقلاب و رهنمودهای امام راحل علیه السلام، بلوای بزرگی در کشور برپا کردند.

۳. افراد فرصت‌طلب

برخورد امام علی علیه السلام با افراد فرصت‌طلب، الگوی مناسبی است تا رهبران جامعه با اقتدای به آن، خود را از سقوط حفظ کنند.^۱
امام علیه السلام به مالک اشتر نوشت:

۱. هنگامی که امام علیه السلام باخبر شد دخترش گردنبندی را از مسئول بیت‌المال امانت گرفته است، هم دختر خود و هم خزانه‌دار را مورد نکوهش قرار داد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲: ۳ / ۵۰۴)

والی را نزدیکان است و خویشاوندان که خوی برتری جستن دارند و گردن‌فرازی کردن و در معاملات انصاف را کمتر به کار بستن. ریشه ستم اینان را با بریدن اسباب آن برآر و به هیچ‌یک از اطرافیان و خویشاوندان زمینی را به بخشش وامگذار. (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۳۸)

ایشان به یکی از کارگزارانش که در اموال مردم دخل و تصرفی کرده بود، نوشت:

به‌خدا، اگر حسن و حسین چنان کردند که تو کردی، از من روی خوش ندیدندی و به آرزویی نرسیدندی، تا آن‌که حق را از آنان بستانم و باطلی را که به ستمشان پدید شده نابود گردانم. (همان: ۳۱۴)

جریان برخورد امام با طلحه و زبیر (خاموش کردن شمع بیت‌المال و افروختن شمع شخصی) و عقیل (شهیدی، ۱۳۷۷: ۲۵۹) نیز زبانزد خاص و عام است.

در جمهوری اسلامی ایران، افراد فرصت‌طلب با سوءاستفاده از علاقه و دلبستگی افراطی برخی الگوها به فرزندان، دوستان و خویشاوندان، به ترور شخصیت آنان می‌پردازند و این یکی از خطرهایی است که الگوهای فراوانی را از جایگاه خود ساقط کرده است.

فرصت‌طلب‌ها، به‌ویژه گروه منافقین خلق،^۱ با ترور شخص و شخصیت الگوهای برجسته مردم، ضربه بزرگی به کشور زدند. آنان با نفوذ در ساختارهای اصلی جامعه، ۷۲ تن از شخصیت‌های برجسته، از جمله شهید بهشتی را با بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی، و رجایی و باهنر را در دفتر ریاست جمهوری به شهادت رساندند. همچنین با اِعمال نفوذ در بنی‌صدر و بسیاری از شخصیت‌های دیگر، آنان را از مردم جدا کردند و در سال‌های دفاع مقدس، مقابل مردم قرار گرفتند و سودای فتح تهران را داشتند که با عنایت خداوند در عملیات مرصاد، مفتضح شدند و هنوز سر در آخور بیگانه دارند و به جنایت‌های خود ادامه می‌دهند.

با وجود هشدارهای فراوانی که امام علیه‌السلام در موقعیت‌های مختلف درباره گروهک‌ها دادند،

۱. این گروه خود را مجاهدین خلق ایران می‌دانست، ولی با انجام رفتارهای ضداسلامی و انسانی، از طرف مردم لقب واقعی خود را گرفت.

برخی الگوها بر اثر نفوذ فرصت‌طلبان، ترور شخصیت شدند. مانند:

۱. سیدحسن لاهوتی: وی از علمای مبارز قبل از انقلاب بود و در آغاز انقلاب علاوه بر عضویت در مجلس خبرگان، نمایندگی امام خمینی علیه السلام را در سپاه پاسداران بر عهده داشت. وی به دلیل تأثیرپذیری از فرزندش وحید که عضو منافقان بود (کلاچیان، ۱۳۸۲: ۱۴۶، ۱۸۰ و ۲۸۳) به حمایت از آنان پرداخت و از سهمیه خمس و ... به آنان مساعدت مالی کرد و سرانجام به صورت مرموزی وفات یافت.
۲. علی گل‌زاده غفوری: یکی از افراد خوش‌فکر و صاحب‌نظر قبل از انقلاب بود که به دلیل همکاری دخترش مریم و دامادش صمدی با منافقین و محکومیت آنان، به جبهه‌گیری ضد نظام پرداخت و منزوی شد و این اواخر درگذشت.
۳. حضور پررنگ منافقان در بیت آیت‌الله طالقانی و مرگ مشکوک وی نیز نشان‌دهنده آثار تخریبی فرصت‌طلبان بر الگوهای مورد علاقه مردم است.
۴. امام علیه السلام خطاب به مرحوم آیت‌الله منتظری فرمود:

همه می‌دانند که شما حاصل عمر من بوده‌اید ... شما که خود را پیروان اصحاب وحی و اولیای عظیم‌الشأن می‌دانید و بحمدالله هستید، ... با اشخاص منحرف نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صدرصد اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای نخواستہ فاجعه به بار آورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف کشانند و با دست شما به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی زنند. الله، الله، در انتخاب اصحاب خود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۷)

جریان آیت‌الله منتظری را می‌توان از غم‌انگیزترین حوادث انقلاب خواند؛ زیرا ایشان به تذکرات مشفقانه امام علیه السلام توجه نکرد و بستگان او با سوءاستفاده از محبوبیت ایشان، جنایات هولناکی به وجود آوردند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۹)

این حوادث، هشدار است تا الگوهای جامعه، بر اطرافیان خود بیشتر نظارت کنند؛ زیرا برخی از مسئولان دفاتر و تشکیلات رهبران جمهوری اسلامی ایران، با گزینش سلیقه‌ای و جلوگیری از ملاقات مردمی، سبب دلخوری و ناراحتی مردم می‌شوند. جداسدن از مردم، یکی از بزرگ‌ترین آفت‌های الگوپذیری است.

۴. سازش‌کاری

رودربایستی در اجرای امر خدا و ملاحظه دوست و فرزند و خویشاوند و مرید در کارها، سَمَبَل کردن و مصانعه است. قرآن کریم لغت «ادهان» را به کار برده (قلم: ۹) و در عرف امروز به این کار، «مداهنه» گویند. «روغن مالی»، «شیره مالی» یا «ماست مالی» در مواردی به کار می‌رود که به جای اینکه کاری به‌طور جدی اجرا شود، به صورت‌سازی بدون حفظ محتوا قناعت شود. قرآن خطاب به رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «کفار دوست دارند که تو اهل مداهنه بودی تا آنها هم مداهنه کنند». (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۴ / ۹۶)

امام علی علیه السلام فرمود:

لا یقیمُ امرَ اللهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا یَصَانِعُ وَلَا یضَارِعُ وَلَا یَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ. (سیدرضی، بی تا: حکمت ۱۱۰ / ۴۴۸)

فرمان خدا را برپا ندارد جز کسی که - در حق - مدارا نکند و خود را خوار نسازد و پی طمع‌ها نتازد.

مغیره به امام علی علیه السلام گفت: ای امیر مؤمنان، تو معاویه را خوب می‌شناسی؛ کسانی که قبل از تو آمدند، او را به حکومت شام منصوب کردند. تو نیز تا وقتی کارها روبه‌راه شود و امر خلافت مستقر گردد، او را به حکومت آنجا منصوب کن، سپس اگر خواستی او را عزل کن. امام فرمود: آیا تو عُمر مرا در طول زمان نصب و عزل ضمانت می‌کنی؟ مغیره گفت: نه! امام فرمود: «وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا» (کهف / ۵۱) من هرگز گمراهان را همکار خود نمی‌گیرم. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۲ / ۳۸۶) آنگاه که بر امام به‌دلیل تقسیم عادلانه بیت‌المال خرده گرفتند، فرمود:

مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن درباره آن‌که والی اویم. به‌خدا نپذیرم تا جهان سرآید و ستاره‌ای در آسمان پی ستاره‌ای برآید. اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم - که چنین تقسیم سزاست - تا چه رسد که مال، مال خدا است. بدانید که بخشیدن مال به کسی که مستحق آن نیست، با تَبذیر و اسراف یکی است. قدر بخشنده را در دنیا بالا برد و در آخرت فرود آورد. او را در دیده مردمان گرامی کند و نزد خدا خوار گرداند. (شهیدی، ۱۳۷۷: ۱۲۳)

امام علی علیه السلام به مردم فرمود:

با من همان طور که با دیگران حرف می‌زنید، صحبت کنید و اگر دیدید عصبانی و ناراحت شدم، خودتان را نبازید، مردانه انتقاد خودتان را به من بگویید، از من حریم نگیرید ... گمان نکنید که اگر حقی را در مقابل من بگویید، بر من سنگین خواهد آمد. به حق از من انتقاد کنید، ابدأ بر من سنگین و دشوار نخواهد بود، با کمال خوش‌رویی از شما می‌پذیرم. (سیدرضی، بی‌تا: خطبه ۲۱۶ / ۳۳۴؛ مطهری، ۱۳۸۵: ۲۳ / ۴۴۵)

امام راحل رضی الله عنه نیز هرگز در انجام وظایف خویش کوتاه نیامد و در دشوارترین شرایط جامعه، در انجام تکلیف الهی خود تردید روا نداشت. ایشان در نامه خود به آقای قدیری نوشت:

سعی کنید تنها خدا را در نظر بگیرید و تحت تأثیر مقدس‌نماها و آخوندهای بی‌سواد واقع نشوید؛ چراکه اگر بناست با اعلام و نشر حکم خدا به مقام و موقعیت‌مان نزد مقدس‌نماهای احمق و آخوندهای بی‌سواد صدمه‌ای بخورد، بگذار هرچه بیشتر بخورد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۱۵۲)

آقای رسولی محلاتی به امام گفت:

اگر کار ما مورد رضایت شما نیست، عذر ما را بخواهید. امام فرمود: هر وقت من تشخیص بدهم وجود شما در این خانه به‌ضرر اسلام است، عذر شما را خواهم خواست. (گلی‌زواره‌ای، ۱۳۷۹: ۴۲۴)

ملت ایران بارها و به‌ویژه در سال‌های اخیر، نشان دادند که با کسی پیمان برادری نبسته‌اند و هر کس قدم خود را کج بگذارد، با قهر انقلابی آنان روبه‌رو خواهد شد. رهبران جامعه برای حفظ جایگاه ارزشمند الگویی خود، هرگز نباید از ارزش‌های دینی، اخلاقی، ملی و ... کوتاه بیایند؛ زیرا این عمل موجب طمع دیگران می‌شود و آنان می‌پندارند در همه امور می‌توانند چنین کسی را با خود همراه کنند.

۵. عوام‌فریبی

اسلام، دشمن جهل اعتقادی و جهالت اخلاقی - عملی است و هدف آن، تعلیم کتاب و

حکمت برای جهل‌زدایی و تزکیه نفس و طهارت روح است.

رسول خدا ﷺ هرگز از نقاط ضعف و جهل مردم سوءاستفاده نمی‌کرد، بلکه با آن مبارزه می‌کرد. روزی که ابراهیم، پسر هجده‌ماهه‌اش از دنیا رفت، خورشید گرفت. مردم گفتند: علت کسوف، مصیبتی است که بر پیغمبر خدا وارد شد. او سکوت نکرد، بلکه به منبر رفت و گفت: «ایها الناس! ماه و خورشید دو آیت از آیات خدا هستند و برای مردن کسی نمی‌گیرند.» (مطهری، ۱۳۸۵: ۲ / ۳۶۲)

امام علی علیه السلام چون آهنگ جنگ خوارج کرد، یکی از اصحاب گفت: «ای امیر مؤمنان، از راه علم ستارگان گویم که اگر در این هنگام به‌راه افتی، ترسم به مراد خود نرسی». امام علیه السلام به او فرمود: «پنداری تو ساعتی را نشان می‌دهی که هر که در آن به سفر رود، بدی به وی نرسد و از ساعتی می‌ترسانی که اگر در آن، راه سفر پیش بگیرد، زیان، وی را در میان خویش گیرد؟ هر که تو را در این سخن راستگو پندارد، قرآن را دروغ انگارد.» (شهیدی، ۱۳۷۷: ۷۱)

مخالفت عملی با سحر و جادو، نحوست ایام، طالع‌بینی، تعبیر خواب‌های ناروا، عرفان‌های کاذب و ... که از آفت‌های تربیتی جامعه است و آثار شوم آن سلامت برخی خانواده‌ها را تهدید می‌کند، از وظایف مهم الگوهای دلسوز کشور است؛ زیرا اگر موضع مربی در برابر این امور شفاف نباشد، متربی دچار کج‌فهمی خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران، در سال‌های اخیر، شاهد رواج خرافه‌ها و پندارهای غیرمنطقی درباره موعود و ... بوده است. کسانی به‌دلیل ساده‌لوحی، دنیاگرایی، بازارگرایی و یا وابستگی به قدرت‌های خارجی، ادعای مشاهده امام زمان می‌کنند و با کارهای شگفت‌انگیز، افراد ساده‌دل و گرفتار را که غالباً از بانوان هستند، به خود جذب می‌کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند:

ادعای رؤیت، ارتباط و تشریف، دستور گرفتن از حضرت حجت و اقتدای به آن حضرت در نماز، ادعایی حقیقتاً شرم‌آور و پیرایه‌های باطلی است که ممکن است حقیقت روشن انتظار را در چشم و دل انسان‌های پاک‌نهاد مشوب کند... البته ممکن است سعادت‌مندی این ظرفیت را پیدا کند که چشم دلش به نور جمال مبارک حضرت حجت روشن شود؛ اما چنین کسانی اهل ادعا و

بازگ کردن این مسائل نیستند و همان گونه که بزرگان و برجستگان نیز چنین ادعاهایی نکرده‌اند.

۶. نشناختن زمان

هر عصر و دوره‌ای نیازمند الگوهایی متناسب با آن زمانه است. اگر افراد جامعه به‌ویژه جوانان، اسوه‌های کشور را متناسب دوران خود ندانند، به آنان پشت خواهند کرد و از نقش الگویی آنان کاسته خواهد شد. بنابراین الگوها باید زمان‌شناس باشند. پیشوایان دین علیهم‌السلام به دلیل برخورداری از دانش باطنی و مقام عصمت، الگوهای فرا زمانی هستند و توصیه‌های آنان از چنین ژرفایی برخوردار است. امام علی علیه‌السلام فرمود:

لَا تُفْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَي آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۰ / ۲۶۷)

آداب و رسوم زمان خودتان را با زور و فشار به فرزندان خویش تحمیل نکنید؛ زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ. (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۷)

آن که نسبت به زمان خود داناست، گرفتار امور اشتباه‌انگیز و مایه گمراهی نمی‌شود.

شیوه رویارویی امام صادق علیه‌السلام با سفیان ثوری یکی از نمونه‌های زمان‌شناسی است. سفیان وقتی دید امام صادق علیه‌السلام جامه‌ای سپید و لطیف پوشیده، به او اعتراض کرد و گفت: این جامه سزاوار تو نیست. از تو انتظار می‌رود که زهد بورزی و خود را از دنیا دور نگه داری. امام پاسخ داد: ممکن است تو وضع ساده و فقیرانه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و صحابه آن حضرت را در آن زمان، پیش خود مجسم سازی و فکر کنی که تکلیف و وظیفه همه مسلمین تا روز قیامت آن است که همیشه فقیرانه زندگی کنند. در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، عموم مردم از داشتن لوازم اولیه زندگی محروم بودند. اما در این عصر که وسایل زندگی و شرایط بهره‌برداری از موهبت‌های الهی فراهم است، سزاوارترین مردم برای بهره‌بردن از نعمت‌ها، افراد نیکوکار و

صالحند، نه انسان‌های فاسق و بدکار. (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۸ / ۲۱۸)

آشنایی با اوضاع و جریان‌های زمان و شناخت عوامل دست‌اندرکار اجتماع، امکان پیش‌بینی امور را می‌دهد و با پیش‌بینی‌ها می‌توان به مقابله با حوادث ناگوار شتافت. (همان: ۲۴ / ۲۷۹)

درک و فهم روح دین که برای هر زمان و دوره‌ای، برابر نیازهای مردم، برنامه و دستور دارد، انسان را از گرایش به پندارها، دیدگاه‌های سست و برداشت‌های نابخردانه، باز می‌دارد. درک پیام‌های دین، بدون درک منطق و روح دین، ممکن نیست. اگر روح و منطق دین، به‌درستی و روشنی درک شود، در هر عصری پیام خود را فراروی انسان قرار می‌دهد. پس رهبران ایران اسلامی باید زمان‌شناس باشند، نیازها و مشکلات مردم به‌ویژه نسل فرهیخته و جوانان را بدانند تا نقش الگویی خود را به‌خوبی ایفا کنند.

رهبر انقلاب، بارها درباره وجود پیاده‌نظام دشمن در داخل، شیخون فرهنگی، جنگ نرم و ناتوی فرهنگی هشدار داده‌اند و این حاکی از زمان‌شناسی ایشان و هشدار برای دیگر الگوهای جامعه است. معظّم‌له تأکید کردند که اگر موضع‌گیری‌های برخی افراد، ناشی از وابستگی آنان نیست، به‌طور حتم در نشناختن زمان و شرایط دشمن و ... ریشه دارد.

راه‌حل‌ها

مهم‌ترین عامل جلوگیری از تخریب نقش الگویی رهبران جامعه را خود الگوها بر عهده دارند. آنان باید به رهبران الهی اقتدا و چون آینه‌ای شفاف، رفتار آنان را در وجود خود منعکس کنند تا دیگران از فضایل آنان سرمشق بگیرند و جامعه ایران بیش از گذشته نورانی شود. برخی از عوامل حفظ این جایگاه عبارتند از:

۱. باور منزلت نقش الگویی

باور منزلت نقش الگویی، از مهم‌ترین عوامل حفظ آن است. بدیهی است که اگر خود الگو به اهمیت و منزلت این جایگاه واقف نباشد، بهای لازم را به آن نمی‌دهد و نمی‌تواند از دیگران انتظار نقش‌پذیری داشته باشد. ملت بزرگ ایران، به اشکال گوناگون، وفاداری و قدرشناسی خود را به الگوها نشان داده‌اند. حضور میلیونی مردم، هنگام ورود امام راحل امت علیه السلام به ایران،

همچنین بدرقه پرشور آنان، یکی از نمونه‌های ماندگار تاریخ ایران و مایه عبرت همه جهانیان است. همچنین استقبال بی‌نظیر مردم از رهبر معظم انقلاب، نشان می‌دهد که برخورداری الگوها از فضایل اخلاقی، همیشه عطر افشانی می‌کند.

اوج عظمت ملت ایران در ابراز ارادت و حرف‌شنوی از الگوهای راستین، تا حدی است که امام خمینی علیه السلام فرمود:

من با جرئت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله، و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی علیه السلام می‌باشند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۴۱۰)

این صفت بر مسئولیت الگوها می‌افزاید. پس الگوهای کشور باید به حس قدرشناسی مردم ارج بگذارند و نقش خود را به‌خوبی ایفا کنند. لازمه این باور، اعتلای فضایل اخلاقی در خویشتن است. برترین صفتی که انسان را به اوج عزت می‌رساند، صعود به قله بندگی است و عزت و شکوه انسان در میزان محبوبیت او در نزد حضرت حق رقم می‌خورد. امام علی علیه السلام فرمود:

ای خدای من! همین عزت مرا بس که بنده تو هستم، و همین افتخار مرا بس که تو پروردگار منی. ای خدای من! تو همان گونه‌ای که من دوست دارم، پس مرا به‌گونه‌ای قرار ده که تو دوست داری. (فتال نیشابوری، بی‌تا: ۱ / ۱۰۹)

امام علی علیه السلام درباره انسان‌های پرواپیشه می‌فرماید:

عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ فَهُمْ. (سید رضی، بی‌تا: خطبه ۳۰۳ / ۱۹۳)

خدا آن‌چنان در نظر آنها بزرگ است [و وجود آنان را پر کرده که جایی برای چیز دیگری باقی نمانده است] و غیرخدا در چشم آنان کوچک است [غیرخدا را نمی‌بینند].

و نیز فرموده است:

هرکس میان خود و خدا را اصلاح کند، خدا میان او و مردم را اصلاح خواهد

کرد و هر که کار آخرت خود را اصلاح کند خدا کار دنیای او را اصلاح خواهد کرد. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۲۹۷)

انسان با خدا پیوسته ارزش خدایی می‌یابد و در چشم و دل مردم، بزرگ و عزیز می‌شود و این شکوه و عزت جلوه خداست که در جان عالم ربانی می‌نشیند و مردم مؤمن نور خدا را هر جا که باشد، درمی‌یابند.

امام علی علیه السلام به کارگزار خود، مصقله نوشت: «پس حق پروردگارت را خوار مکن و دنیای خود را به نابودی دینت آباد مگردان که از جمله زیان کاران باشی». (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۱۶)

امام سجاده علیه السلام می‌فرماید:

بار خدایا! درود بفرست بر محمد و خاندانش و هرگاه مرا در نظر مردم به درجتی فرا می‌بری به همان قدر در نفس خود خوارم گردان و هرگاه مرا به عزتی آشکار می‌نوازی به همان قدر در نفس خود ذلیل گردان. (آیتی، ۱۳۷۶: دعای ۲۰ / ۹۳)

این سخن نشان می‌دهد که الگوها باید منزلت خویش را بشناسند و پیوسته از خویشتن مراقبت کنند.

یکی از ضعف‌های انسان آن است که پیوسته کارهای خود را بهترین می‌پندارد. قرآن کریم می‌فرماید:

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا. (کهف / ۱۰۳ و ۱۰۴)

بگو: «آیا شما را از زیان‌کارترین مردم آگاه گردانم؟» [آنان] کسانی‌اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند.

الگوهای ارزشمند ایران، خواسته و ناخواسته در معرض نگاه نافذ مردم قرار دارند. پس باید از نقش الگویی خود مراقبت و مواظبت کنند. آنان متعلق به همه ملت ایران، بلکه همه ملت‌های جهان و از سرمایه‌های معنوی و مایه عزت و سربلندی هستند، پس باید همیشه سالم بمانند.

۲. حفظ ارتباط با مردم

شرط تحقق تأثیرگذاری الگوها، ارتباط آنان با مردم است. با جدایی الگوها از مردم، نقش‌پذیری محقق نمی‌شود. یکی از اهداف ترور الگوها، جداکردن آنان از مردم بود. پس رهبران جامعه نباید اجازه دهند که چیزی بین آنان و مردم فاصله بیندازد. امام علی علیه السلام به مالک اشتر می‌فرماید:

وَاجْعَلْ لِدَوِي الْحَاجَاتِ مِنْكَ فِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا
عَامًّا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ. (سید رضی، بی‌تا: نامه ۵۳ / ۴۳۹)

و بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلسی عمومی بنشین تا در آن برای خدایی که تو را آفرید فروتنی کنی.

بدیهی است که اگر رابطه الگوها با مردم قطع شود، امکان الگوپذیری از میان خواهد رفت و اگر مشاهده عینی سیره عملی الگوها میسر نشود، هیچ راهی برای نمایش رفتارهای نیک و پسندیده باقی نخواهد ماند.

ارتباط مستقیم الگوها با مردم، نشانه آن است که برای مردم اعتبار و ارزش قائلند و همین احساس روابط انسانی و عاطفی جامعه و نظام ولایی، بسیار ارزشمند است. سفر مقام معظم رهبری به استان‌ها و ملاقات‌های ایشان با قشرهای مختلف مردم و شنیدن آرای آنان، نمونه بسیار خوبی برای ارتباط الگوهاست. به یقین ارتباط با مردم، یکی از رموز برخی موفقیت‌های دولت کنونی است.

۳. باور آگاهی و خردورزی مردم

باور درک و آگاهی مردم نیز یکی از عوامل مهم حفظ جایگاه الگویی است. کسانی که برای مردم اعتبار و ارزشی قائل نیستند و آنان را به حساب نمی‌آورند و نظر آنان را درباره خود نادیده می‌گیرند، انگیزه‌ای برای مراقبت از نقش الگویی خود ندارند؛ درحالی‌که اگر مردم را به حساب بیاورند و به منزلت و کرامت آنان گردن نهند و خود را خدمتگزار آنان بدانند و نسبت به آنان متواضع باشند، بی‌شک از نقش الگویی خود مراقبت خواهند کرد. با چنین نگرشی حتی مخالفان خود را نیز مهم می‌شمارند و نسبت به آنان بی‌عدالتی نمی‌کنند.

یکی از راهکارهای ستمکاری و سلطه بر مردم، سست کردن فرهنگِ خردورزی و مبارزه با نقد و انتقاد در امور اجتماعی و فرهنگی است. فرعون، راه هرگونه خردورزی و خودباوری را بر بنی‌اسرائیل بست و آنان را از منزلت والا و کرامتی که در پرتو نگرش‌های توحیدی داشتند، فرود آورد و به فرمانبرداری خود واداشت. (زخرف / ۵۴) مهم‌ترین کار موسی عَلَيْهِ السَّلَام، بالابردن بینش دینی و شکستن اسطوره شکست‌ناپذیری فراعنه بود.

تاریخ صدر اسلام نیز نشان می‌دهد که داعیان دروغین رهبری، راه را بر هرگونه خردورزی بستند و مردم را به قصه‌پردازی، خرافه و افسانه سرگرم کردند. در ایران قبل از انقلاب نیز شاه، خود را سایه خدا و مردم را برده خود می‌دانست و امام خمینی عَلَيْهِ السَّلَام با تبر ابراهیمی، او را درهم شکست و مردم را ولی‌نعمت خود خواند. در ساحت دینداری هر قدر دامنه و شعاع کارکرد و حضور خرد و خردورزی، گسترده و وسیع باشد، ظهور خرافه‌ها و افسانه‌پردازی، کم‌رنگ‌تر و بی‌فروغ‌تر می‌شود. شهید مطهری می‌نویسد:

از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن، منطق و آزادی‌دادن و مواجهه صریح و رُک و روشن با افکار مخالف است. (مطهری، ۱۳۵۸: ۲۴ / ۱۳۱)

بزرگ‌ترین دلیل محبوبیت امام خمینی عَلَيْهِ السَّلَام و مقام معظم رهبری، ارزش‌نهادن به مردم و افتخار خدمتگزاری به آنان است. الگوهای ایران اسلامی به یاد دارند که نواب صفوی گفت: «در مملکت اسلامی، من افتخار می‌کنم که مأمور نظافت باشم». اگر الگوهای جامعه، مردم را بزرگ، فهیم و ارزشمند تلقی کنند، خدمت به آنان را افتخار می‌شمارند و مردم نیز به آنان افتخار خواهند کرد. و هیچ عاملی نمی‌تواند بر این رابطه پولادین معنوی لطمه بزند.

۴. برخورد قاطع با عوامل مزاحم

برخورد امام علی عَلَيْهِ السَّلَام با عوامل مزاحم نیز از الگوهای مهم زندگی مؤمنان است. ترجیح مصلحت دین بر منافع شخصی، زمینه چنین برخوردی را فراهم می‌کند.

یکی از عوامل مزاحم استمرار رابطه الگویی رهبران ایران با مردم، کوتاهی در دفاع از حقوق آنان، به دلیل مصلحت‌اندیشی‌های غیرمعقول است. بهره‌گیری از سیستم نظارتی دقیق و در صورت ضرورت، استفاده از عیون و موضع‌گیری قاطع و سریع در برابر عوامل خلاف و جلوگیری از رفتارهای ناپسند، علاوه بر حفظ سلامت رابطه الگو با مردم، موجب تکاپوی جامعه در مسیر حق و جلوگیری از لغزش کارگزاران خواهد بود.

به دلیل حساسیت مردم درباره الگوها، نوع سخن، رفتار و موضع‌گیری آنان در برابر خودی و بیگانه و همچنین نوع رفتار نزدیکان و بستگان آنان، بر مردم تأثیر عمیقی خواهد داشت. پس باید با حساسیت، امور مزاحم را از میان بردارند، از همه امور مراقبت کنند و زمینه‌های سوءاستفاده دیگران را با قاطعیت و صراحت دفع کنند.

در جمهوری اسلامی ایران، امام راحل امت ع، با سرعت و قاطعیت، هر عامل مزاحمی را از سر راه برداشت. مقام معظم رهبری نیز پیوسته صلابت، شکوه و کرامت ملت را بر همه امور برتری داده است و این خط‌مشی همه الگوهای ارزشمند جامعه است که مسیر عبودیت را برای مردم هموار، و برای عزت و کرامت آنان، تلاش کنند.

نتیجه

تربیت الگویی مورد تأکید قرآن، روایات و دانش روز است. در جمهوری اسلامی، نقش الگویی رهبران از جایگاه بلند و برجسته‌ای برخوردار است. ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی رهبران مردم ایران، موجب تقویت انگیزه زندگی مقتصدانه مردم و منشأ خیرات و برکات فراوانی برای همگان است. اختلاف سلیقه در بین همه افراد از جمله الگوها، اجتناب‌ناپذیر است، ولی مردم نباید با رفتارها و گفتارهای ضد و نقیض الگوها سردرگم شوند. الگوهای جامعه، زیر نگاه دقیق دوست و نگاه کینه‌توزانه دشمن قرار دارند. از این رو، باید بیش از همه از خود مراقبت کنند و اجازه ندهند افرادی در حوزه مسئولیت آنان نفوذ و روابط آنان را با مردم تیره کنند. الگوها هرگز نمی‌توانند با عوام‌فریبی و طرح مسائل خرافی، در قلب مردم نفوذ کنند. پس باید شرایط زمان را خوب بشناسند و از پیاده‌نظام دشمن در جامعه و درون خویش غافل نشوند. الگوهای ایران اسلامی، سرمایه معنوی کشور و جهان هستند و بیش از همه در

معرض هجمه دشمن قرار دارند. پس باید قدر این منزلت را بشناسند و با ارتباط مستمر با مردم و ارج نهادن به آنان و برداشتن عوامل مزاحم، نقش هدایتی خویش را ایفا کنند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۷۶، ترجمه صحیفه سجادیه، تهران، سروش.
۳. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید، ۱۴۰۴، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۴. ابن طاوس، سیدرضی‌الدین، ۱۳۶۷، اقبال الاعمال، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۵. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱، کشف الغمّة فی معرفه الائمه، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، بیروت، دارالعلم.
۶. امام‌خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۵۹، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. _____، ۱۳۷۰، شرح جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. _____، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. باقری، خسرو، ۱۳۸۸، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل‌البیت.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۲، سیره نبوی، تهران، نشر دریا.
۱۳. دوانی، علی، ۱۳۵۴، مهدی موعود، تهران، دارالکتب الاسلامی.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم.
۱۵. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷، الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۶. سیدرضی، سیدمحمد بن حسین، بی‌تا، نهج البلاغه، قم، دارالهجره.

۱۷. سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۲۵، *تاریخ الخلفاء*، بیروت، مکتبه الشامله.
۱۸. شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۷۷، *ترجمه نهج البلاغه*، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۱۹. صفری فروشانی، نعمت‌الله، ۱۳۷۸، *غالیان*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان*، ترجمه موسوی همدانی، قم، اسلامی.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳، *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۲۲. عمید، حسن، ۱۳۵۴، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.
۲۳. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، بی تا، *روضه الواعظین*، قم، رضی.
۲۴. قائمی مقدم، محمدرضا، ۱۳۸۹، «روش الگویی در تربیت اسلامی»، *فصلنامه معرفت*، شماره ۶۹.
۲۵. کلاچیان، زهره، ۱۳۸۲، *خاطرات محسن دعاگو*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. گل‌ی زواره‌ای، غلامرضا، ۱۳۷۹، *فرازهای فروزان*، تهران، نشر حضور.
۲۸. متقی هندی، علاء‌الدین، بی تا، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، *بحارالانوار*، لبنان، مؤسسه وفا.
۳۰. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۶۹، *خاطرات سیاسی*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
۳۲. معین، محمد، ۱۳۷۵، *فرهنگ معین*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. مهدی‌زاده، حسین، ۱۳۸۵، *الگوشناسی*، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
۳۴. موسوی کاشمیری، سیدمهدی، ۱۳۷۹، *روش‌های تربیت*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۵. مولوی، جلال‌الدین، ۱۳۷۸، *مثنوی معنوی*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.